

اعلامیه حزب حکمتیست

به یاری مردم سیل زده سیستان و بلوچستان بشتابیم!

میزگرد کمونیست در مورد

شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی در انتخابات

صفحه ۳

در باره "کنفدراسیون کار"

گفتگوی برنامه چالش با سیاوش دانشور

صفحه ۶

در آستانه ۸ مارس

جنبش آزادی زن، دستاوردها و موانع پیشرو

صفحه ۷

آذر ماجدی

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

علیه فرودستی زن، علیه آپارتاید جنسی، برای یک برابری
سوسیالیستی!

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

صفحه ۲

۷۴۱
مصلحتی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran
Hekmatist

۱۸ اسفند ۱۴۰۲ - ۸ مارس ۲۰۲۴

اعلامیه حزب حکمتیست

شکست قاطع رژیم اسلامی

در "انتخابات"

نه قاطع دهها میلیونی

جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و مجلس "خبرگان رهبری" متحمل شکست فزاینده باری شد. جامعه از سرکوب خونین درآمده پیشاپیش توسط کارگران اعلام کرد: "دیگر رای نمیدیم!" جوانان و انقلابیون بویژه در هفته آخر وسیعا علیه پروپاگاندا مسموم و بازاری کاندیداها مبارزه کردند، پوستریهایشان را پائین کشیدند و آتش زدند، کاندیداها را در مجامع و روستاها راه ندادند و یا بعد از افشا بیرون انداختند. در روز "انتخابات" نیز، با عدم شرکت گسترده و اراده ای متحد، بساط مضحکه "انتخابات" را با قدرت شکست دادند.

روشن است برای مردمی که "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مرگ بر خامنه ای" میگویند، علیه نظم ضد زن آپارتاید جنسی بپاخواستند و حجاب اسلامی سمبل فرودستی زن را به آتش می کشند، برای مردمی که در برآمدهای توده ای و انقلابی از دیماه ۹۶ تا شهریور ۱۴۰۱ برای درهم کوبیدن حکومت اسلامی تلاش کرده اند، "انتخابات" رژیم صورت مسئله نیست. انتخابات زمین بازی حکومت و مکانیسم تجدید تقسیم قدرت و ثروت بین باندهای متفرقه حاکم است و به این معنا به ما مربوط نیست. صورت مسئله ما این بود که رژیم اسلامی را در زمین خودش به زمین بکوبیم و فردای بعد از "انتخابات" تناسب قوای سیاسی به نفع ما تغییر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست

شکست قاطع رژیم اسلامی در "انتخابات"
نه قاطع دهها میلیونی

کرده باشد. سیاست "عدم شرکت فعال" وسیعاً عملی شد. با تلاش برای بسیج هرچه بیشتر مردم جهت مقابله با این نمایش مضحک قبل از "انتخابات" و عدم شرکت وسیع در ۱۱ اسفند در روز "انتخابات"، رژیم اسلامی شکست سنگینی خورد. از امروز رژیم اسلامی در مقابل چشم جهانیان و اساساً از نگاه مردم ایران و حتی بخشهای زیادی از صفوف مغضوبین خود حکومت، رژیمی نامشروع تر و متشتت تر و ضعیف تر و پوک تر است. این تعرض جامعه به حکومت اعدام و فقر و فلاکت و تاکید این نکته بود که حضرات در موضع "انتخاب شدن" نیستند، بلکه در انتظار دادگاهی بجرم جنایت علیه مردم هستند.

در این انتخابات بیشتر از هر دوره تقلب و رای سازی انجام شد با اینحال "آرای باطله" در بیشتر جاها مرتبه اول یا دوم را دارد. این یعنی نصف یا بیشتر همان چند درصد شرکت کننده نیز به این مزدور-کاندیدها رای ندادند. معنی سیاسی آمار بالای "آرای باطله" اینست که جامعه در مقیاس گسترده تری علیه رژیم اسلامی است. نکته اساسی این واقعیت است که اکثریت قاطع و طبق هر ارزیابی ابژکتیوی بالای هشتاد درصد مردم آگاهانه و عمدانه در این نمایش شرکت نکردند، این "نه" بزرگ "رای مردم" ایران است. این وسیع ترین و قدرتمندترین بلوک رای در جامعه است. در لایه بعدی به آرای باطله میرسیم و کسانی که بدلائل مختلف و علیرغم سیاست نادرست شرکت در این نمایش، به حکومتی ها رای ندادند. این بخش که نصف یا بیشتر آرای مأخوذه را بخود اختصاص میدهد، سکوی جانبی بلوک اصلی دهها میلیونی عدم شرکت فعال است. در لایه تحتانی به برگمارده های مزدوری میرسیم که با تقلب و رای سازی و فساد به زور ده هزار و برای برخی چند صد هزار رای دست و پا کردند. اینها خود "باطله" ها هستند، نمادی از حکومت "باطله" و منسوخ در ذهنیت جامعه اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تحمیل این شکست قاطع به جمهوری اسلامی را به مردم مبارز و آزادیخواه تبریک میگوید. موقعیت شکننده تر امروز رژیم اسلامی محصول عمل متحدانه و اراده انقلابی ماست. از این موقعیت آگاهانه بهره جوئیم و رژیم را در سنگرهای مختلف عقب برانیم. امروز مشروع ترین حرف در جامعه نخواستن حکومت است که از دریچه این "انتخابات" با صدای بلند برای هزارمین بار اعلام شد. برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تلاشمان را گسترش دهیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ اسفند ۱۴۰۲ - ۵ مارس ۲۰۲۴

اعلامیه حزب حکمتیست

به یاری مردم سیل زده سیستان و بلوچستان
بشتابیم!

از ۹ اسفند ماه، ۱۶ شهرستان و ۲۰۰۰ روستای استان سیستان و بلوچستان درگیر سیل و بحران ناشی از آن شدند. بنابر گزارشها، شهرستانهای نیکشهر، قصرقند، دشتیاری، چابهار، کنارک، خاش، سیب و سوران، فنوج، ایرانشهر، میرجاوه، دلگان، سراوان، زاهدان، نیمروز، سرباز و مهرستان از مناطق درگیر سیل اند که در میان آنان چابهار با ۴۸۰ و نیکشهر با ۳۳۰ روستا بیشترین میزان درگیری را داشتند. جمعیتی ۴۰۰ هزار نفره تحت شرایط بحرانی ناشی از سیل زندگی شان بهم ریخته، صدها واحد مسکونی آسیب دیدند و یا نابود شدند. خسارت فراوانی به زیرساختها و شریان های حیاتی جامعه از سیستم برق و تلفن و دکل های مخابراتی تا جاده ها و محورهای ارتباطی و اراضی وارد شده است. در دو منطقه دشتیاری و پلان، ۴۰ تا ۴۵ مدرسه در محاصره سیلابها قرار گرفته اند و بیش از صد مدرسه نابود شدند.

باید بداد مردم زحمتکش و شریف سیل زده سیستان و بلوچستان رسید. دولت، هر دولتی موظف است در چنین اوضاعی کل امکانات خود را بصورت اورژانس بسیج و بداد شهروندان برسد. اما تجربه نشان داده است که این قاتلین و دزدان حرفه ای کمترین مسئولیتی در قبال مردم آسیب دیده از خود نشان نمیدهند. لذا خود مردم ایران لازم است در این اوضاع آستین ها را بالا بزنند، گروه های مردمی در استان و شهرهای اطراف برای رفع نیازهای اولیه و کمک رسانی بسیج شوند. همیاری و همبستگی در چنین اوضاعی تنها یک رفتار انسانی و آزادیخواهانه نیست بلکه به اتحاد وسیع تر مردم و ارتقای ارزشهای معنوی نودوستی کمک شایانی میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن ابراز همدردی عمیق با مردم آسیب دیده و خانواده جانبختگان و مصدومین مناطق سیل زده، از مردم سراسر کشور میخواهد به کمک مردم سیل زده بشتابند. مردم در شهرهای کردستان این ابتکار انسانی را با سازماندهی جمع اوری کمک ها آغاز کرده اند. در این شرایط تعاون و همکاری جمعی و سازمانیافته مردم، مهمترین اقدام برای یاری رسانی و کاهش تلفات مردم مناطق آسیب دیده است. از فعالین پیشرو و انسانهای آزادیخواه، از نهادها و تشکلهای کارگری و اجتماعی متعهد به منافع مردم میخواهیم، بیدریغ به مردم مناطق سیل زده در شهر و روستاهای سیستان و بلوچستان کمک رسانی کنند. با همبستگی و اقدامات انسانی باید درد و رنج آسیب دیدگان را کاهش دهیم. زنده باد تعاون و همیاری مردم در کمک رسانی به مناطق سیل زده!

مرگ بر جمهوری اسلامی

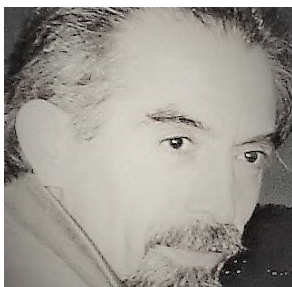
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۶ اسفند ۱۴۰۲ - ۶ مارس ۲۰۲۴



مرگ بر جمهوری اسلامی!



میزگرد کمونیست در مورد شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی در انتخابات

تکلیف خود را با شما روشن کرده ایم، به منتخبین شورای نگهبانان نه تنها رای نمیدهیم، بلکه افشا و رسوایشان میکنیم. ۴۴ سال است مردمی که در ماههای قبل انتخابات "عزیز میشوند و بحساب آورده میشوند" سهمشان چیزی جز سرکوب و اعدام و تحقیر و بیحقوقی نبوده است. ۴۴ سال است مردمی را که خواهان حداقل حقوق خود هستند اراذل و اوباش و خس و خاشاک خطاب میکنند. چرا این مردم باید اساسا انتخابات این رژیم را امر خود بدانند؟

در یک کلام مردم رای ندادند چون اساس و کلیت این نظم مبتنی بر سرکوب و فاصله فجیع طبقاتی را قبول ندارند. این مردم در ادامه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ یکبار دیگر با عدم شرکت در انتخابات نمایشی به روشنی تعیین تکلیف کردند با سرکوبگران خود، با عاملین اعدام و شکنجه، با مسببین فقر و فلاکت، با غارتگران ثروت و سامان جامعه. سهم محرومان جامعه از برکت وجود این جنایتکاران جز گرسنگی و تحقیر و گورخوابی و فلاکت چیز دیگری نبوده است. "دیگر رای نمیدهیم" این را فودلادیان قهرمان، این را زنان عزم جزم کرده علیه آپارتاید جنسی، این را خانواده های داغدار کشته شدگان این ۴ دهه با صدای بلند اعلام کردند و رای ندادند.

با هزار و یک تقلب و رای‌های ساختگی سران رژیم اعلام کردند ۴۰ درصد مردم در "انتخابات" شرکت کرده اند، اما معلوم شد میزان آرای باطله در تعدادی از صندوقها در جایگاه اول بوده! علیرغم اینکه ممکن است این متد بحساب شرکت در انتخابات گذاشته شود، اما اینجا هم نشان داده شد منتخبین شورای نگهبان و خامنه ای سختی با خواست و امیال مردم ندارند. مردم بطن جامعه به ۴ دهه کشتار و فقر و فلاکت و بیحقوقی نه گفتند و امروز پیام جامعه در مقابل رژیم روشن است، این رژیم و ارگان‌های آن از نظر مردم باطل و منسوخ است و عدم شرکت در انتخابات کانال و تریبونی بود که این پیام را به گوش جانین حاکم برسانند. امروز و بعد از اتمام دور دوازدهم انتخابات و شکست مفتضحانه رژیم تکلیف مردم محروم جامعه و آنهایکه در انتخابات شرکت نکردند با رژیم روشن است. با پرچم و پیام واضح و بی تردید کارگران و زنان و جوانان، این رژیم و سران جنایتکار آن در بدترین وضعیت حاکمیت ۴۵ ساله خود قرار دارند.

کمونیست: شکست قاطع جمهوری اسلامی در انتخابات اخیر چه تاثیری بر فضای سیاسی ایران و روند تحولات خواهد داشت؟ در مورد "آرای باطله" نظرتان چیست؟

سیاوش دانشور: یک نکته باید روشن باشد و آن اینست که خود این شکست محصول عملی شدن گسترده سیاست "عدم شرکت فعال" است که از جمله حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مبلغ و پیشرو آن بود. ما با ضعیف‌ترین و مفلوک‌ترین و پر تقلب‌ترین "انتخابات" جمهوری اسلامی در طول تاریخ ننگین‌اش مواجه هستیم. مردم معلوم بود که شرکت

کمونیست: چنانکه پیش بینی می شد جمهوری اسلامی در "انتخابات" اخیر شکست مفتضحانه ای خورد. این مسئله را چگونه می بینید، دلایل این شکست از نظر شما چه هستند؟

ملکه عزتی: ما همیشه گفته ایم انتخابات در جمهوری اسلامی، در یک سیستم سرکوبگر مبتنی بر ارباب و خشونت مطلقا معنی ندارد. مضحکه انتخابات، سیرک و نمایش بی معنی و پوشالی کسانی است که از صافی شورای نگهبان رد شده و از طریق یک سیستم مضحک از صندوق های رای بیرون بیایند و به ارگان‌های مورد نظر راه پیدا کنند. ۴۴ سال است در ۱۲ دوره جمهوری اسلامی این سیرک را، این بساط نمایشی و پوشالی را راه میندازد و هر دوره هم تعدادی از کسانی را که از قبل خدمت به این حکومت و سرکوب مردم به نان و نوایی رسیدند از صندوق بیرون میاورند و به مجلس یا کاخ ریاست جمهوری میفرستند تا یکدوره دیگر بساط دزدی و چپاول را پهن کنند و به ریش مردم بختند!

این مضحکه هرچیزی هست جز انتخاب مردم، جز خواست و تمایل مردم و دیگر حنای جمهوری اسلامی پیش آنها رنگی ندارد. دوره هایی در انتخابات طیف اصلاح طلبان حکومتی که به مثابه سوپاپ اطمینان رژیم عمل میکنند توانستند به مجلس راه یابند، این دوره دست آنها هم از کاسه دزدی و چپاول قطع شد و تایید نشدند. این طیف ادامه بقا و حیات خود را در بقای رژیم میبینند و در همین راستا هم هر بار مردم را تشویق به شرکت در انتخابات کرده اند. یکبار میگویند رای اعتراضی بدهید! یکبار میگویند برای جلوگیری از حضور اصولگرایان تندرو رای بدهید و بخشا هم با فریب و دغل و تبلیغات میلیونی تعدادی را به حوزه های رای آورده اند. اما این بار این ترفند را نتوانستند بکار ببرند. مردم حساب خود را با کل حاکمیت روشن کردند و از دیماه ۹۶ تا آبان خونین ۹۸ و خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با صدای رسا اعلام کردند "اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا!"

در انتخابات دوره دوازدهم هم با این سیاست جواب قاطعی به حکومت و سران جنایتکار رژیم دادند؛ رای بی رای! تحمیل این شکست فضاحت بار از طرف مردم محروم جامعه، از طرف کارگران و زنان به جان آمده از آپارتاید جنسی، از طرف معلمان و بازنشستگان سیلی سختی بود که مردم به صورت شخص خامنه ای و بقیه اعوان و انصار او زدند. مردمی که مرگ بر جمهوری اسلامی را فریاد زدند، زانی که حجاب اسلامی را به آتش کشیدند، کارگرانی که فقر و فلاکت را با گوشت و پوست و استخوان تجربه کردند، به استثمارگران خود رای ندادند و صندوق های آرای جمهوری اسلامی را بی محل کردند و در جاهایی هم به آتش کشیدند. مردمی که مخالفت و ضدیت خود را با کلیت این نظام فاسد و سرکوبگر بارها و به کرات در خیابان و کارخانه و دانشگاه به وضوح اعلام کردند چرا باید به برگزیدگان و عوامل این نظام رای بدهند؟

یک منطبق واقعی و زمینی پشت رای ندادن مردم وجود دارد و آنهم این است که ما

و فقر و مبارزه برای افزایش دستمزدها بروز میدهد. رژیمی که تا مغز استخوان در بحران و فلج اقتصادی است، رژیمی که نه مشروعیت فرمال حقوقی دارد و نه از ارکان ایدئولوژی اش چیزی مانده است، نه پاسخ مسائل مبهم اقتصادی و بحرانهای تودرتوی متنوع را دارد و با یک نخواستن عمیق و انقلابی روبرو است، جامعه را به یک بشکه باروت ارتقا داده است. در این وضعیت هر واقعه ای میتواند جرقه یک انفجار عظیم دیگر برای تمام کردن کار ناتمام باشد.

در مورد "آرای باطله" بحث و ارزیابی زیاد است و عمدتاً نامربوط اند. وقتی رسانه ها و مفسران در بحث "انتخابات" جای اصلی را به بحث "آرای باطله" میدهند، دارند آن بلوک بزرگ عدم شرکت قاطع را فرعی میکنند. این صورت مسئله وارونه را نباید پذیرفت. آرای باطله در بهترین حالت بخش کوچکی مثلاً ده درصد در کنار هشتاد درصد عدم شرکت است. در انتخابات برگماری رئیسی، آرای باطله مقام دوم را آورد و در این انتخابات در جاهای مختلف مقام اول و دوم را کسب کرد. اگر فرض کنیم پانزده تا بیست درصد واجدین رای شرکت کرده باشند، نصف یا بیشتر آنها به کاندیداهای حکومت رای ندادند. این جمعیت بخشهای مختلفی را دربرمیگیرد؛ کسانی که با اجبارهای حکومتی وادار به رای دادن شدند مانند کارکنان دولتی و نهادهای نظامی و حتی زندانیان، کسانی که در رانتها در حاشیه حکومت سهمیند یا بنا به موقعیت اقتصادی شان منفعت دارند، بخشهای محافظه کارتر جامعه که به اشتباه در این نمایش شرکت کردند و روی ورقه رای شعار مرگ بر حکومت و غیره نوشتند. این طیف که همواره حکومت روی آن حساب باز کرده و مخاطبین اصلی تبلیغاتش هستند، در شکل "کم هزینه"ای مقابل رژیم ایستاد. این طیف حاضر نشد بطور علنی به صفوف دهها میلیونی مخالفین بپیوندد، در نمایش انتخابات به غلط شرکت کرد اما رای به کاندیداهای حکومت نداد.

معنی این نتیجه اینست که محاسبات رژیم بیهوده بوده است و پیکر گندیده جمهوری اسلامی هر روز لاغرتر میشود. نکته سیاسی اینجاست که آرای باطله چه در مجموع و چه از آرای تک کاندیداهای راه یافته در هر شهر فاصله زیادی دارد. در انتخاباتی که آرای باطله مقام اول و دوم را دارد (که این دوم جای تردید جدی است)، خود حکومت و مجلسین اش بطور حقوقی هم "باطل" اعلام شده است. این اوباش موسوم به "نمایندگان" حتی جایگاه رای باطله را هم ندارند، نماد "باطل اندر باطل" اند. از این منظر "آرای باطله" بحث برانگیز است و نه جایگاه آن در کل پروسه "انتخابات". رای مردم ایران توسط همان دهها میلیون و هشتاد درصد اعلام شده است: جمهوری اسلامی باید برود.

کمونست: در این انتخابات حتی بخش قابل توجهی از خودیهای رژیم شرکت نکردند، اما از طرف دیگر هنوز عده قلیلی از مردم در این مضحکه شرکت کردند. این تناقض را چگونه می توان توضیح داد؟ با این وضع سرنوشت انتخابات احتمالی جمهوری اسلامی در آینده چگونه خواهد بود؟

همایون گدازگر: شکافی که ناراضیتی و اعتراضات مداوم بین جامعه و جمهوری اسلامی ایجاد کرده است، بالاترین سطح حاکمیت جمهوری اسلامی را هم تحت تاثیر قرار داده است. نه به این معنا که بخواهند کاری انجام بدهند و یا دردی از هزاران گرفتاری مردم را درمان کنند، اختلافشان بر سر راه حل های مختلف برای ماندگاری جمهوری اسلامی و عبور آن از بحرانهای چند لایه، همیشه جزو خصوصیات لاینفک حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی با این اختلافات در بالا متولد شده است و در

میزگرد کمونست در مورد.....

نمی کنند و به قاتلین فرزندان و همزمانشان و مسببین فقر و فلاکت "رای" نمیدهند، اما در همینجا نایستادند، بلکه با تجربه دو "انتخابات قبلی" فعالانه علیه این سیرک خونین و مملو از فساد تلاش کردند. کارگران با صدای بلند و تعرضی در خیابانها اعلام کردند؛ "ما دیگر رای" نمیدیم و در هفته آخر جنب و جوش زیادی علیه تبلیغات مزدوران حکومت در جریان بود. کمتر جایی بود که پوستر و تبلیغات شان را پاره نکنند و آتش نزنند. مزدور- کاندیداهای رژیم را در مجامع مختلف و حتی در تعدادی از روستاها بیرون کردند و بساط شان را برسرشان خراب کردند. این فضای فعال و این اراده انقلابی موجب شکست خردکننده رژیم در انتخاباتش شد که معنایی جز پیروزی مردم در یک قلمرو تاکتیکی ندارد. عبارت دیگر مردم آزادخواه و مخالف حکومت، با عدم شرکت و برخورد فعال، پروژه رژیم اسلامی را آگاهانه به شکست کشاندند و از فرجه "انتخابات" بعنوان فرصتی برای تداوم مبارزه با رژیم اسلامی بهره جستند.

تاثیر این واقعه بر فضای سیاسی ایران و روند تحولات سطوح مختلفی دارد. اولاً، ابعاد موضوع بحدی سنگین است که بخشی از "دلسوزان حکومت" میگویند مجلس و نماینده دیگر مشروعیت ندارد و یا میگویند از این واقعه باید ترسید چون همینجا تمام نمیشود. برای ما و مردم انقلابی نه رژیم و نه به طریق اولی "انتخابات" و ارگانهایش هیچوقت مشروعیت نداشته است. امروز که پایشان لب گور است و نیازمند "کسب مشروعیت فرمال حقوقی" اند، سیاست ما و مردم انقلابی اینبود که توی دهان خامنه‌ای و اسلام بزینم تا رژیم بعد از "انتخابات"، رژیمی نامشروع تر، متشتت تر و ضعیف تر باشد. این شرایط به نفع مبارزه انقلابی است و تناسب قوا را به ضرر رژیم عوض کرده است. امروز با این واقعیت مسلح مواجه هستیم که دهها میلیون و بالای هشتاد درصد واجدین رای، قاطعانه در مقابل چشم جهانیان اعلام کردند که جمهوری اسلامی نمیخواهند و در این نمایش مضحک شرکت نکردند. اگر کسی دنبال مشروعیت میگردد باید به این بلوک سهمگین مراجعه کند. این واقعیت بزرگی است که نمیتوان آنرا با توجیهات و آمارهای بشدت جعلی و مسخره وزارت کشور رژیم لاپوشانی کرد.

ثانیاً، این نتیجه تشتت و تفرقه در درون حکومت را تشدید میکند. برای باندهای حکومتی مسئله بقای نظام و تهدید سرنگونی جدی تر میشود و لذا جدال و شکافهای درون حکومتی بالا میگردد. امروز کسانی "رای" اول تهران را بخود اختصاص دادند که از "آدمخواری برای اسلام" دفاع کردند. خامنه‌ای با این اوباش سوپرفالانتر و دستگاه سرکوب لخت و عریان بدون هیچ حائلی در مقابل جامعه است. مضافاً اینکه وضعیت کنونی رژیم سیر ریزش "خودی"های نظام را تسریع میکنند. روشن است در سطح بین‌المللی و دنیای بند و بست دیپلماسی نیز دیگر نمیتوانند خود را "تأمینده منتخب مردم" قلمداد کنند. این جوانب نیز به نفع مبارزه انقلابی برای سرنگونی است.

ثالثاً، این رژیم تنها متکی به سرکوب و آدمکشی نیست، یک ابزار مهم آن شوک‌های اقتصادی چراغ خاموش و بقول رئیسی "بی سر و صدا و پله ای" است که طی برنامه هفتم اقتصادی در سطوح مختلف تعبیه شده است. این یک قلمرو مهم جدال گسترده طبقاتی در ایران است که خود را در اعتصابات کارگری و اعتراض علیه گرانی

بودند و هم مساجد را به حوزه اخذ رای تبدیل کرده بودند، تا نماز گزاران را مجبور به رای دادن بکنند. همچنین نظامیان لباس شخصی پوش برای شلوغ جلوه دادن حوزه ها در گردش و جولان بودند. بهرحال علیرغم همه این ترفندها نتیجه این مضحکه و نه قاطع مردم را تمام دنیا دیدند. اما این همه واقعیات نیست، در بین همین رای دهندگان قلیل، بخشی از مردم بخصوص در مناطق عقب افتاده که دهها سال است به فقر و بدبختی رانده شده اند، بدنال امکان و مجرای برای ادامه زندگی به هر دری می کوبند. جمهوری اسلامی با گسترش فقر و مشقت و بیکاری، سرکوب و تبعیض و به تباهی کشاندن جامعه اعتماد و کرامت را از آنها سلب کرده و از این طریق آنها را بدنبال خود می کشد. با اینحال امروز دیگر تمام این سیاستهای جمهوری اسلامی در مقابل خروش میلیونی ناراضیتی و تنفر رو به ازدیاد کارایی چندانی ندارد.

تمام شواهد نشان می دهد، با انتخابات و بدون انتخابات آینده جمهوری اسلامی و ادامه حاکمیت خونبار آن تیره و تار است. این دیگر تنها ادعای مخالفین و اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیست. نزدیکترین متحدین جمهوری اسلامی شاهد این حقیقت هستند و چنگ و دندان نشان دادند و اعدام و سرکوبگری هایشان دفاعی و برای سرپا نگهداشتن حاکمیتشان است. معلوم نیست تا انتخابات بعدی جمهوری اسلامی چگونه به بقای خود ادامه میدهد. آنچه معلوم است اوضاع از هر لحاظ به ضرر جمهوری اسلامی پیش می رود. فعلا این انتخابات را با حقه و تقلب و دروغ از روی بمب ساعتی جامعه عبور دادند، برای کارگران و مردم جان به لب رسیده انتخاب اصلی سرنگونی جمهوری اسلامی و رد شدن از روی لاشه متعفن آنست.

***:

میزگرد کمونیست در مورد.....

مقاطعی به خشونت و ترور و کشتار یکدیگر هم منجر شده است. اما مسله ای که در چند سال اخیر با آن روبرو هستیم دست بالا پیدا کردن جناح خامنه ای در مقابل مخالفین او در صف حاکمیت جمهوری است، و این یک شبه اتفاق نیفتاده است. اعتراضات اجتماعی بخصوص از دیماه ۹۶ به این سو جمهوری اسلامی را مجبور کرده است که قدرت را بدست جنایتکارترین عناصر وفادار به خود بسپارد. اینها تنها راه نجات را در این می بینند.

اما وسعت و عمق ناراضیتی و اعتراضات اجتماعی، بویژه پس از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ نه تنها جبهه اصلاحات بلکه بخشهایی از اصولگرایان هم به این نتیجه رسانده است که جمهوری اسلامی رفتنی است و پلاتفرم اصلاحات وغیره نمی تواند آن را نجات دهد. بهمین دلیل این بخش از یک طرف دیگر اعتمادی بخود برای نجات رژیم ندارند و به غرولند و ایرادگیری های روزانه سقوط کرده و در واقع دست را به حریف باخته اند. از طرف دیگر از ترس انتقام جامعه نمی خواهند شریک عملکرد تمامی اعمال و سیاستهای حاکمیت کنونی بمانند و در واقع به خیال خودشان می خواهند امنیتی برای آینده خود دست و پا کنند. شرکت نکردن آنها در انتخابات در این رابطه است وگرنه اینها هیچوقت مخالف جمهوری اسلامی نبوده اند. مخاطب پیام خامنه ای در مورد قهر نکردن با انتخابات این طیف بود نه مردم عادی، چون مردم روزانه تکلیف خود را با این مضحکه روشن کرده بودند.

درباره کسانی که شرکت کردند، باید قبل از هر چیز حيله و تقلب بازیهای آشنای جمهوری اسلامی را در نظر داشت. اینبار هم روز مضحکه را روز جمعه تعیین کرده

نسل کشی در غزه

جنبش حق زن کجا می ایستد؟

کنفرانس فعالین جنبش حق زن

۲۳-۲۲ مارس - ۳-۴ فروردین

نسل کشی در غزه به یک جنبش بین المللی گسترده در حمایت از و همبستگی با مردم فلسطین و در محکومیت اسرائیل و متحدین غربی دامن زده است. برای تمام جنبش های سیاسی - اجتماعی که برای آزادی، برابری و عدالت مبارزه می کنند، این یک لحظه تاریخی است تا یک موضع روشن و محکم در برابر این تراژدی تاریخی اتخاذ کنند.

ما از فعالین جنبش جهانی حق زن دعوت کرده ایم تا در یک کنفرانس آنلاین حول مباحث مربوطه بحث و گفتگو کنیم. از همه شما دعوت می کنیم تا در این کنفرانس شرکت کنید و با اظهار نظر و سوالاتان این کنفرانس را پر بار تر کنید. ابراز همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت جنایات و کشتار اسرائیل و دولت های غربی یک امر عاجل و حائز اهمیت است.

پانلیست ها:

اولین آکارد؛ هما ارجمند، کمپین بین المللی یک سیستم آموزشی سکولار؛

سواد بابا آئیس، فمینیست لائیک؛ اوفیچا بختی، الجزایر؛ هایده درآگاهی؛ ماریا هاگبری، فعال جنبش جهانی زن و نویسنده؛ کتو کورتشالیس، انستیتوی فمینیست قفقاز؛ آذر ماجدی، سازمان آزادی زن؛ شافیا اوترباک، فمینیست لائیک؛ هلاله طاهری، بنیاد زن و جامعه.

پانل ها:

عدالت برای فلسطین

جنبش سکولار و حق زن کجا باید ایستد؟

گسترش جنگ در منطقه

عروج فاشیسم در غرب

ساعت و جزئیات مربوط به محل کنفرانس بزودی باطلاح خواهد رسید.

کنفرانس به زبان انگلیسی است.

هما ارجمند، کمپین بین المللی یک سیستم آموزشی سکولار

آذر ماجدی، سازمان آزادی زن - ایران

Homa Arjomand, The International Campaign for One secular School System

Azar Majedi, Organisation for Women's Liberation-Iran

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



اینکه حزب ما تشکیل این نهاد را مثبت میبندد یا نه، به لحاظ حقوقی این جمع و هر کسی حق دارد نهادی تشکیل دهد و کاری انجام دهد. بعنوان یک محفل و عناصر میتواند هر نهادی را تشکیل بدهند. ولی تا به جنبش کارگری ایران برمیگردد، این نهاد به جنبش واقعی کارگری کمترین کمکی نمیتواند بکند، سهل است، با این مضامین اوضاع را بیشتر مخدوش میکند.

همین روش این نگرانی را در ذهن تعدادی ایجاد میکند که اینها با این عنوان پرطمطراق و توخالی و سازمان سراسری بین المللی با تعدادی انسان معدود کمتر از انگشتان دو دست و مخفی، چیزی را اعلام کنید که وجه المصلحه برای پروژه های دیگری قرار بگیرد. این نگرانی بطور واقعی وجود دارد.

به هر حال بحث ما این هم نیست چون همین امروز چنین پروژه ای موضوعیت ندارد. جامعه امروز ایران و فضای بین المللی هم در قبال جمهوری اسلامی این نیست. ولی در آینده بله، وقتی که لازم میشود که سر کارگر و مبارزه انقلابی مردم را زیر آب بکنند، آنوقت حتما آنها به دولت انتقالی احتیاج دارند، حتما به آلترناتیو سازی احتیاج دارند، حتما به شاخه کارگری و شاخه زنان و بخشهایی که در جامعه بیشتر مد نظر است و یک جنبش واقعی و زنده اند نیاز دارند و چنین شاخه هایی را به شکلی ظاهری در خدمت آن حرکت و اهداف سیاسی شان درست میکنند. اما همین امروز که داریم حرف میزنیم، نه چنین زمینه اجتماعی وجود دارد و نه چنین مسئله ای موضوعیت دارد و نه چنین جریاناتی میتوانند چنین امیدواری داشته باشند.

این پروژه بدنیا نیامده ناکام ماند. این برای ما جای خوشحالی نیست. اینکه این نهاد هنوز اعلام نشده همینطور ریزش میکند، چیز بیشتری به ما نمیگوید که اگر شما اقدامی را بیرون یک جنبش واقعی، بیرون یک مبارزه و حرکت واقعی و بیرون اهداف و منافع واقعی آن جنبش انجام دهید، سرنوشتی جز آنچه این باصلاح "کنفدراسیون" از ابتدای کارش با آن مواجه شده نخواهد داشت. به هر حال ما این مسئله را مربوط به مبارزه کارگری و جنبش کارگری و یا نقطه ای در ادامه سیر تشکل و تحزب و تلاش های جنبش کارگری نمیدانیم.

۷ مارچ ۲۰۲۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

در باره "کنفدراسیون کار" گفتگوی برنامه چالش با سیاوش دانشور

امیر عسگری: خبر اعلام "کنفدراسیون کار ایران" را داشتیم. شما هم مطلبی در نقد این تشکل انتشار دادید. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در اینمورد چه نظری دارد، آیا مثبت میدانید، مخالفید یا موافق؟

سیاوش دانشور: حزب حکمتیست طرفدار آزادی بیان، طرفدار تشکل و تحزب است، طرفدار اینست که گروهبندی های مختلف انسانها بتوانند در اشکال مختلفی متحد شوند، و برای خواست و تمایلاتی که دارند مبارزه کنند. در نتیجه از این سر که ما "موافق" یا "مخالف" تشکیل نهادی، کمپینی، جمعی یا حزبی باشیم، موضوعیتی ندارد. فکر هم نمیکنم کسی از این سر مخالف باشد که آدمهای معینی بیایند گروهی یا جریانی را اعلام کنند و یا قصد انجام کاری را به دیگران اطلاع بدهند.

اما عنوانی که انتخاب شده بشدت سوال برانگیز است. "کنفدراسیون کار" اولاً ارجاع میده به طبقه کارگر، دوماً به یک سازمان سراسری بین المللی. در شرایطی که نه در ایران و نه در خارج کشور ما با چنین موقعیتی بسیار دور هستیم، بیشتر شبیه فیل هوا کردن نمایشی است. این اقدام ارتباط مستقیمی با یک حرکت مادی، یک حرکت واقعی مبارزاتی، چه در داخل کشور چه در خارج کشور، توسط طبقه کارگر برای تشکل و انسجام ندارد. این اقدام تداوم یک سنت و یک خط غیر کارگری است که بیرون طبقه تلاش میکند سازمانهایی بنام طبقه درست کند و بموازات آن حرکتش را پیش ببرد. به همین دلیل است که برخلاف سنت شورائی خود طبقه کارگر و مثلاً مجامع عمومی هایش و یا اشکال دیگر سازمانیابی و سنتهای مبارزاتی تاکنونی، این جریان فوق العاده زیرزمینی، غیر شفاف، شک برانگیز، آنهم در محیط باز و آزاد خارج کشور یکهو اعلام شده است. نه فعالین طبقه کارگر و نه خود آن جنبش و نه جریانات سیاسی که بالاخره به مسائل جنبش کارگری توجه دارند و دنبال میکنند، اطلاعی نداشتند.

به این معنا غیرجدی بودنش را از همان ابتدا بر پیشانی خودش دارد. این موضوع دلائل مختلفی دارد اما دلیل اساسی اش اینست که یک پروژه بیرون طبقه کارگراست، بیرون مبارزه واقعی کارگری است، بدون نمایندگی کارگران است و بشدت تخیلی است. در عین حال به همان اندازه که از نظر مضامین و دیدگاه ها مجموعاً در قبال طیف راست دست و دل باز است، در مقابل چپ و آرمانهای کارگری منقبض و حساس خود را نشان میدهد. بیشتر به حرکتی شبیه است که یک تشکل سازی فیک و ظاهری را برای اهداف دیگری شکل میدهند.

قبل از اینکه من قضاوتی راجع به خود این نهاد بکنم، این سنت ادامه سنتی غیر کارگری است که خارج طبقه تلاش میکند برای کارگر سازمان و تشکل و یا اشکالی از تشکل ایجاد بکند. به این معنی هر سنتی که استخوانبندی اش را به بیرون مکانیزمهای واقعی و سوخت و ساز درونی طبقه کارگر میگذارد، بیرون سنتهای واقعی مبارزه اجتماعی طبقه کارگر میگذارد، علی القاعده از سنت و روش طبقات دیگر تبعیت میکند و به اهداف آنها خدمت میکند و به این معنا خیری به کارگر نخواهد رساند.

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

در آستانه ۸ مارس

جنبش آزادی زن، دستاوردها و موانع پیشارو

آذر ماجدی



جنبش های اعتراضی، چپ و کارگری در کشورهای جهان. جوایز متعدد حقوق بشری و تشویق و تحسینی که به فعالین زن دست راستی و اصلاح طلب سابق اعطاء می شود را در نظر بگیرید؛ به لاسه کردن زن های دست راستی در اجلاس های مهم امنیتی و سلبریتی های نان به نرخ روز خور توجه کنید؛ اینها نمونه هایی از تاکتیک جلب و جذب نیرو و رهبر تراشی برای مردم ایران است.

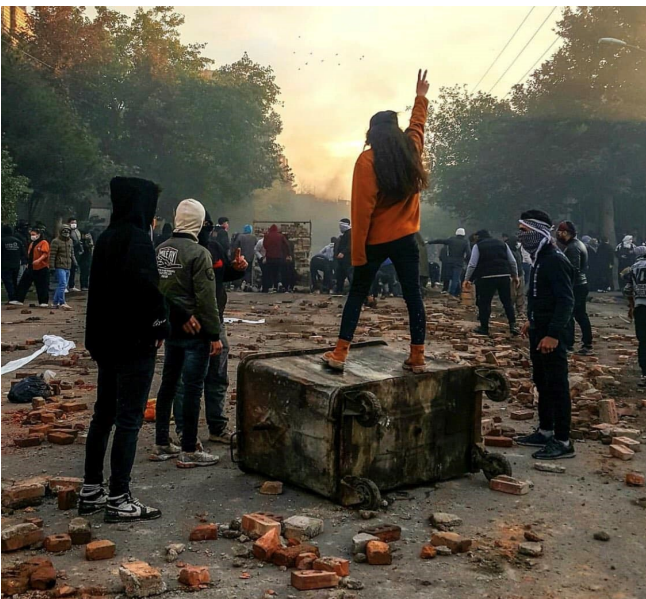
آزادی و برابری کامل و بی قید و شرط زنان در گرو سرنگونی رژیم اسلامی، واژگونی نظام استثمارگر سرمایه داری و برقراری جمهوری سوسیالیستی و یک حکومت شورایی است. جنبش آزادی زن یک ستون و موتور مهم و اصلی خیزش انقلابی اجتماعی است.

در اینجا جا دارد تاکید شود که گرامیداشت ۸ مارس امسال باید با اعلام همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت اسرائیل، آمریکا و دولت های غربی در نسل کشی غزه همراه باشد. جنبش آزادی زن خواهان آزادی، برابری و عدالت است و هر آن این اصول و اهداف در هر کجا و توسط هر نیرویی زیر سوال برود، جنبش آزادی زن باید محکم و استوار در کنار آزادی، برابری و عدالت بایستد. ما در یک شرایط منحصر بفرد تاریخی قرار گرفته ایم. دنیا شاهد یک نسل کشی بی سابقه است. پرده های دروغ و ریا دریده شده است. جنبش آزادی زن، جنبش انقلابی و رادیکال در ایران باید با صدایی رسا این نسل کشی را محکوم کند و با مردم سرکوب شده فلسطین اعلام همبستگی نماید. اسرائیل یک نظام آپارتاید را بر مردم فلسطین تحمیل کرده است. ما با هر نوع نظام آپارتاید در جنگ ایم از آپارتاید نژادی تا جنسی، یا بر مبنای ملیت و مذهب.

زنده باد آزادی و برابری!

سازمان آزادی زن

۶ مارس ۲۰۲۴



در ۸ مارس امسال می توان اعلام کرد که جنبش آزادی زن نبرد علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی را در عرصه ایدئولوژیک، اجتماعی و فرهنگی برده است. تمام تلاش های رژیم اسلامی بمنظور عقب نشاندن این جنبش بی تاثیر مانده است. می گیرد، اسیر می کند، شلاق می زند؛ خیابان ها تغییر نمی کند. این دیگر عصیان نیست. این تثبیت خواست است؛ تبدیل آن به نرم است. سرنگونی رژیم اسلامی پرده پایانی این نبرد است.

در سال گذشته جنبش آزادی زن در راس یک جنبش انقلابی برای تغییر به میدان آمد. نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی، نه به فرامین اسلامی ضد زن و ضد آزادی، در گوشه و کنار جامعه فریاد زده شد. حجاب سوزان به سمبل این جنبش بدل شد. جنبشی وسیع، توده ای، آزادخواهانه و رادیکال جامعه را به تحرک درآورد. این جنبش همبستگی عمیق جهانیان را بخود جلب کرد. به جنبش آزادی زن در خاورمیانه اسلام زده امید و جسارت بخشید.

ما همواره بر نقش مهم و تعیین کننده جنبش آزادی زن در تحولات سیاسی جامعه ایران تاکید کرده ایم. وجود یک جنبش قوی برای آزادی و برابری زن را در بطن جامعه تشخیص داده و بر تحول آن به یک نیروی مهم در جنبش سرنگونی طلبانه پای فشرده ایم. سازمان آزادی زن بخش لایتجزای این جنبش بوده است. همواره کوشیده است تا پرچم رادیکالیسم و ماکزیمالیسم را در جنبش آزادی زن برافراشته نگاه دارد. افشای اصلاح طلبان حکومتی برای رقیق کردن خواسته های زنان بمنظور عقب کشیدن جنبش آزادی زن، و ایجاد دست انداز در مقابل حرکت این جنبش، یکی از فعالیت های مستمر و موثر ما بوده است. افشای توطئه های اپوزیسیون دست راستی، ناسیونالیسم عظمت طلب و رژیم سابقی ها برای لایحه های جنسی آزادی زن و تحمیل یک روایت دروغین بر این جنبش یکی دیگر از فعالیت های ما بوده است.

زیرا ما باور داریم که جنبش آزادی زن فقط و فقط در جامعه ای که به آزادی و برابری تمام شهروندان احترام می گذارد و آنها تضمین می کند، می تواند به خواست های خود دست یابد. ما خواهان آزادی و برابری کامل و بی قید و شرط زنان هستیم. جنبش آزادی زن اکنون بیش از دو قرن است که برای آزادی و برابری زنان مبارزه می کند؛ دستاوردهای چشمگیری داشته است. اما به جهان بنگرید! این جنبش هنوز از خواست و هدف اصلیش فاصله دارد.

از اینروست که ما بر حفظ هشیاری کامل در برابر کلک ها و توطئه های دست راستی- رژیم چنچی تاکید می کنیم. نفوذ در جنبش آزادی زن، جلب و جذب فعالین و رهبران عملی این جنبش، نه فقط در ایران، بلکه در کل منطقه، راهی است که تروریسم دولتی آمریکا و غرب در سال های اخیر در آن خیره گشته اند. این تلاش ها بخاطر عشق آنها به آزادی زن نیست، راهی است برای به انحراف کشاندن

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکنند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و در خیزش انقلابی جاری است. سیاست حزب حکمتیست و جنبش آزادی زن در ایران، تقویت روندهای سکولار و برابری طلب و سوسیالیستی و حمایت از مبارزه انقلابی زنان و مردان برای رهائی از سلطه اسلام سیاسی است. ما برای یک برابری سوسیالیستی مبارزه می کنیم. این پرچم را همه جا برافرازید!

زنده باد ۸ مارس!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۶ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۵ فوریه ۲۰۲۴



۸ مارس ۱۳۵۷

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

علیه فرودستی زن، علیه آپارتاید جنسی، برای یک برابری سوسیالیستی!

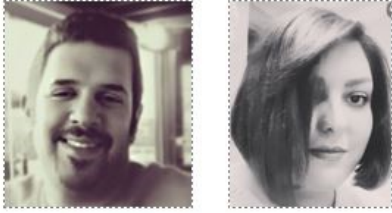
زنان در ایران در قامت بلندی بپاخاسته‌اند. زنان شورشی خواهان اصلاح حکومت ضد زن نیستند، نفی آنند. زنان در ایران علیه بنیادهای فرودستی و آپارتاید جنسی و رژیم اسلامی حافظ آن قدعلم کردند. نسل جدید، علیه ستم بر زن، بمثابه طوق حقارت عمومی طغیان کرده است. به آتش کشیدن حجاب اسلامی بعنوان پرچم حکومت آپارتاید جنسی، خصوصیت زنانه و ضد اسلامی، رادیکالیسم و برابری طلبی، مهمترین نقاط قدرت خیزش انقلابی علیه مهمترین سنگر اسلام سیاسی در خاورمیانه است. هدف فوری این جنبش سرنگونی انقلابی تمامیت جمهوری اسلامی است. الغای کلیه قوانین ضد زن و نظم آپارتاید شرط لازم آزادی زن از طوق بربریت اسلام و تعصبات جاهلانه دینی است، اما شرط کافی آزادی زن در هم کوبیدن بنیادهای نظم نابرابر سرمایه‌داری است که به ستم برحسب جنسیت و انواع تبعیض و تقسیمات دیگر نیازمند است و آنرا بازتولید میکند.

از آخرین برآمد انقلابی یعنی از شهریور ۱۴۰۱ تاکنون، جمهوری اسلامی جنایت‌های بزرگی علیه زنان و مردان انقلابی و حتی کودکان مرتکب شده است و هنوز بر تداوم اعدام و ترور پای میفشارد. اما جامعه گردن خم نکرده و با روحیه انقلابی مبارزه‌اش را در قلمروهای کلان گسترش میدهد. حجاب اسلامی، این سمبل فرودستی زن دوقفوتو ورافتاده است. دستگاه فاسد دین بی‌آبروتر از هر زمانی است. پایه‌های ایدئولوژیکی حاکمیت فروریخته اند. فقر و فلاکت اقتصادی بیداد میکند و سیاست تنها به زور تفنگ و سرکوب روز را به شب میرساند. هیچ راهی از درون برای تغییر مطلقاً وجود ندارد. اعتراض بیوقفه زنان و موج رو به رشد اعتصابات کارگری از جمله نقش تعیین کننده‌ای در شکست و تعمیق بحران لاعلاج رژیم اسلامی داشته‌اند. بپاخاستن زنانه اینبار تماماً به ریشه‌اش برگشت و چکامه‌اش را از سنت ۸ مارس، از جنبش جهانی برای آزادی و برابری زن و مرد گرفت. این جنبشی است که با خیزش انقلابی‌اش علیه نظم ضد زن، جهانی را به سمپاتی واداشته است.

زنان و مردان انقلابی، کارگران و مردم زحمتکش!

در روز زن قدرت‌تان را نشان دهید. در روز زن با ابتکارات مختلف جامعه را مملو از احترام به آزادی و برابری زن و مرد کنید. در این مناسبت علیه سمبلهای ضد زن آگاهانه واکنش نشان دهیم؛ حجاب اسلامی را آتش بزنیم، علیه هر قانون و موعظه ضد زن بایستیم. دیوارها و بزرگراه‌ها را با تصاویر عزیزان جانباخته مژین کنیم. اجتماعات بمناسبت روز جهانی زن برگزار کنیم. بر شعارهای محوری برابری زن و مرد، الغای حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی تاکید کنیم. بر جنایت‌های غیرقابل بخشش حکومت و محاکمه و مجازات جنایتکاران پای بفشاریم. در این روز با زنان مبارز کشورهای منطقه و جهان بویژه زنان در افغانستان همبستگی و همسرنوشتی‌مان را اعلام کنیم. [مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران] شعار مشترک جنبش آزادی زن در دو کشور است. پیروزی در ایران سرآغاز تحولات زبرورو کننده در خاورمیانه و انزوای تروریسم و سلطه صنعت دین اسلام خواهد بود. طالبان و دولتهای اسلامی در منطقه از امواج انقلابی آزادیخواهانه و آنتی اسلامیستی نخواهند جست.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

اعتراض مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی در اهواز
روز سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

مرگ یک کارگر سیمان بر اثر سقوط از ارتفاع تیرک

یکی از کارگران سیمان شاغل در شرکت توزیع برق شهرستان دامغان استان سمنان حین انجام کار دچار حادثه سقوط از تیرک برق شده و جان باخت. یک کارگر اداره برق سمنان در تشریح جزئیات این حادثه گفت: متأسفانه این سیمان اهل روستای «دستجرد» (شاهرود که به نام «پیمان عرب عامری» شهرت دارد، در ارتفاع تیرک در حال رفع مشکل و ترمیم شبکه برق منطقه روستایی «سطوه» بود که به دلیل پوسیدگی تیرک برق از ارتفاع به سطح زمین سقوط می‌کند. به گفته وی؛ اکثر تیرک‌های برق منطقه روستایی سطوه به دلیل اسیدی بودن خاک، پوسیده شده‌اند و علیرغم اینکه مسئولان اداره برق منطقه از این موضوع آگاهند بازهم سیمانان خود را بدون تجهیزات مناسبی مانند بالابر به منطقه اعزام می‌کنند.

مرگ یکی از کارگران مجتمع معدن سونگون ورزقان

روز شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲، یکی از رانندگان دامپتراک صد تنی شرکت زحل شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان به نام آقای ایمانی حین تعویض شیفیت در محوطه تعمیرگاه این شرکت، در اثر خالی کردن سیستم پمپ باد دامپتراک جلویی دچار حادثه شد و جانش را از دست داد.

شعبه سوم دادگاه کذایی گیلان ۲۰ سال و ۱۰ روز زندان و مجازات‌های تکمیلی برای اعضا و هیات مدیره کانون صنفی گیلان صادر کرد

رامین صفرنیا وکیل مدافع ده نفر از اعضا و هیات مدیره تشکل صنفی فرهنگیان صنفی گیلان به خانواده این فعالین اعلام کرده است که براساس حکم دادگاه فرمایشی رشت هر یک از این فعالین به دو سال و یک روز حبس تعزیری و همچنین در مجازات تکمیلی به مدت دو سال پس از اجرای حکم در عضویت احزاب و گروهها و دسته‌جات سیاسی و اجتماعی منع شده‌اند. جلسه دادگاهی فعالین صنفی فرهنگیان گیلان محمود صدیقی‌پور، عزیز قاسم‌زاده، علی نهالی، تیمور باقری کودکانی، جواد سعیدی، طهماسب سهرابی، انوش عادل، جهانبخش لاجوردی، غلامرضا اکبرزاده، یدالله بهارستانی با حضور آقای رامین صفرنیا وکیل در ۲۳ بهمن ماه برگزار شده بود.

بازداشت الهام چوبدار از فعالین جامعه کوپیر

الهام چوبدار از فعالین جامعه رنگین کمانی در ارومیه که پیشتر توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به اعدام و حکمش نقض شده بود، جهت

تجمع اعتراضی کارگران نفت جزیره لاوان

کارگران شرکت فلات قاره شاغل در جزیره لاوان، روز جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ مجدداً و در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان تجمع کردند. اهم مطالبات کارگران برکناری نفوذی‌ها و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک - پی ماده ۱۰ و عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی است. کارگران میگویند در ماه‌های اخیر بارها اعتراض کرده‌ایم اما گویا گوش شنوایی در وزارت نفت برای شنیدن خواسته‌های ما نیست.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ کارگران پیمانکاری پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالبات شغلی تجمع اعتراضی برپا نمودند.

تجمع اعتراضی کارگران نیروگاه رودشور تهران

شنبه ۱۲ اسفند کارگران نیروگاه رودشور تهران در اعتراض به معوقات پرداخت نشده حقوق و بیمه خود دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب رانندگان خط ۷ سامانه ۴ علیه تاخیر در پرداخت عیدی ها

روز ۱۶ اسفند ماه رانندگان خط ۷ بی آرتی سامانه ۴ اتوبوسرانی به خاطر عدم پرداختی عیدی پایان سال و به گفته بعضی از مسئولان برای تعیین سقف عیدی از طرف شهرداری اعتصاب کرده و در خط شاغل نشدند.

اعتراض پرستاران در مشهد به اضافه کار اجباری و حق‌الزحمه ناچیز

شنبه ۱۲ اسفند شماری از پرستاران مشهدی با تنظیم طوماری به اضافه کار اجباری و حق‌الزحمه ناچیز آن اعتراض کردند. اضافه‌کار اجباری و شیفت‌های طاقت فرسا همچنان در مراکز درمانی برقرار است.

راهپیمایی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش و اهواز

یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ بازنشستگان در اعتراض به فقر و نداری، در اعتراض به پایین بودن و نامساعد بودن دستمزدها، در اعتراض به فساد، دزدی و غارت در اعتراض به تبعیض و نابرابری هامقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۱۴ اسفند جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در شهرستان‌های ارومیه، تهران، سنج، اهواز، اراک، میروان، رشت، بندرعباس، اردبیل، خرم‌آباد، قروه، تبریز، اصفهان و □ در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی،

۱۴۰۲ «خودکشی» کرد و به زندگی خود پایان داد. هویت این زندانی «شاهین گله داری» ۴۶ ساله و اهل ارومیه اعلام شد. شاهین گله داری در سال ۱۳۹۴ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در سال ۱۳۹۹، توسط شعبه سه دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» (به دو سال حبس محکوم شد که از اسفند ماه سال گذشته جهت تحمل دوران محکومیت خود در زندان ارومیه به سر می‌برد. سه روز پیش از این خودکشی، بیش از ۸۰۰ زندانی در زندان مرکزی ارومیه در نامه‌ای سرگشاده با اشاره به افزایش آمار خودکشی زندانیان به دلیل آنچه «آزار و اذیت‌ها» در این مرکز توصیف کرده بودند، خواستار عزل پیمان خان‌زاده، رئیس زندان مرکزی این شهر، شده بودند.

توضیحات مریم کلارن درباره بازداشت مادرش ناهید تقوی، زندانی سیاسی دوتابعیتی آلمانی - ایرانی و بازگرداندنش به زندان اوین تهران:

به صورت خودسرانه و بدون هیچ دلیل مشخصی، مادر ۶۹ ساله من، ناهید تقوی، ۸ اسفند ۱۴۰۲ به زندان اوین بازگردانده شد. او در تاریخ ۱۹ دی ماه سال جاری با یک پابند الکترونیکی به دلیل مرخصی پزشکی آزاد شده بود. در طول این مدت، مراقبت پزشکی لازم تقریباً ممکن نبود، چرا که اجازه نداشت از محدوده ۱۰۰۰ متر از آپارتمانش دورتر شود. علاوه بر این، در هفته‌های گذشته چشمان او دچار بیماری دردناکی شده بود، امری که به مراقبتی پزشکی جدی نیازمند است. ناهید تقوی همچنین از درد شدید مفاصل، ستون فقرات هر ناحیه کمر، فشار خون بالا و دیابت رنج می‌برد. جمهوری اسلامی ایران و نظام قضائی‌اش مسئول همه‌ی آن چیزی هستند که برای مادرم اتفاق می‌افتد. از تمام آزادی‌خواهان خواهش می‌کنم که صدای مادرم و تمام زندانیان سیاسی باشند.

گزارشی از آخرین وضعیت زرتشت احمدی راغب در زندان قزلحصار کرج

زرتشت احمدی راغب، زندانی سیاسی محبوس در زندان قزلحصار کرج، علیرغم حال نامساعد جسمی، کماکان در اعتصاب غذا بسر می‌برد. زرتشت احمدی راغب، زندانی سیاسی دوران محکومیت خود در زندان قزلحصار کرج سپری می‌کند. یکی از نزدیکان این زندانی سیاسی ضمن تایید این خبر گفت: «زرتشت احمدی راغب که در اعتصاب غذا به سر می‌برد، با کاهش فشار خون و بی‌حالی روبرو شده، کف دستانش کبود شده و با کاهش هوشیاری مواجه است. مسئولان زندان طی این مدت نه تنها به مطالبات این زندانی سیاسی توجهی نکرده‌اند، بلکه دو پرونده جدید با اتهاماتی از جمله تبلیغ علیه نظام برای او گشوده‌اند.» آقای احمدی راغب به دلیل پرونده سازی علیه خود و اعدام‌های صورت گرفته، دست به اعتصاب زده است. ایشان اواخر اسفند ماه ۴۰۱ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. وی در خردادماه ۴۰۲، توسط دادگاه انقلاب تهران به پنج سال و هشت ماه حبس و مجازات‌های تکمیلی محکوم شد که پنج سال حبس برای وی قابل اجرا است.

تایید حکم عباس دریس

فرشته تابان، وکیل عباس دریس، از معترضان آبان ۹۸ که به اعدام محکوم شده، به «دیدهبان ایران» گفت: «به هیچ‌کدام از ادله ما در دادگاه توجه نشد و حکم اعدام صادر کردند، به ما گفتند ادله شما فاقد ارزش است.» «او افزود: «خانواده مقتول رضایت محضری دادند اما متأسفانه پرونده سیاسی شد.» «عباس دریس، پدر سه فرزند، در زندان است چون می‌خواهند به دلیل اینکه شاهد یک قتل عام (کشتار نيزار ماهشهر) بود، ساکتش کنند. او بی‌گناه است. من از حکومت ایران می‌خواهم که او را آزاد کنند و از جان او بگذرند.»

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

سپری نمودن دوران محکومیت خود بازداشت شده است.

یورش نیروی گارد به بند سیاسی زندان ارومیه و خودسوزی دو زندانی

به دنبال نامه سرگشاده بیش از ۸۰۰ زندانی این زندان با مطالبه برکناری پیمان خان‌زاده، رئیس زندان، و همچنین وقوع یک خودکشی جدید در این زندان، نیروهای گارد، روز چهارشنبه نهم اسفند، به بند سیاسی و عقیدتی این زندان حمله کردند و ضمن تخریب وسایل زندانیان، تعدادی از آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. همزمان با حمله نیروهای گارد زندان، دو زندانی نیز اقدام به خودسوزی کرده و از ناحیه پا دچار سوختگی شدند. همچنین در جریان این حمله دست‌کم ۵ زندانی سیاسی و عقیدتی از ناحیه سر مجروح شدند.

بر همین اساس، اعلام شده است که دو تن از زندانیان، حسن عمرپور و اشکان عثمان نژاد، که پیشتر به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» به ۱۰ سال حبس محکوم شده بودند، در «اعتراض به حکم ناعادلانه خود، اعدام چهار زندانی هم‌پرونده‌شان و فشار بر زندانیان این بند، اقدام به خودسوزی کردند. در حالی که دو زندانی از ناحیه پا دچار سوختگی شدید شدند، به دستور رئیس زندان، از انتقال آنها به بهداری زندان جلوگیری شده است. بند فوق امنیتی زندان ارومیه که در حال حاضر محل نگهداری ۴۲ زندانی سیاسی و عقیدتی است، در چند سال گذشته در فاصله دورتر از بندهای دیگر زندان ساخته شده است و زندانیان این بند در شرایط کاملاً ایزوله شده قرار دارند.

در نامه زندانیان تاکید شد که: «شخص رئیس زندان، پیمان خان‌زاده نه تنها برای زندانیان مشکلاتی پیش می‌آورد بلکه در برخی موارد نیز خانواده را درگیر مشکلات کرده است.» «براساس این گزارش خودکشی یک زندانی محکوم به قطع عضو به نام امیر شهبازی، ناشی از فشارهای رئیس و مسئولان زندان مرکزی ارومیه بوده و این در حالی بود که به تاکید نامه زندانیان، امیر شهبازی چند هفته پیش با وجود آن که رضایت همه شاکیان خود را گرفته و چیزی به آزادی‌اش نمانده بود، با خودکشی به زندگی خود پایان داد و در نامه‌ای رئیس زندان و مسئول خوابگاه را دلیل خودکشی خود اعلام کرده بود. با وجود اینکه طی هفته‌های اخیر به دلیل محدودیت‌ها و اذیت و آزار رئیس زندان، موارد خودکشی به صورت نگران‌کننده‌ای افزایش پیدا کرده، مسئولین اداره کل سازمان زندان‌های استان آذربایجان غربی هنوز توجهی به درخواست‌های متعدد زندانیان نداشته‌اند.

این اتفاقات در حالی رخ داده که «خودکشی» زندانیان در زندان ارومیه در ماه‌های اخیر خبر ساز بوده است و یک زندانی سیاسی در این زندان در شامگاه ششم اسفند

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

رژیم، راه سرنگونی را هموار می‌کنیم.

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در باره "انتخابات" رژیم اسلامی

مردم رأی‌شان را داده اند:

سرنگونی انقلابی تمامیت نظم اسلامی

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست فرجه کنونی را به حرکتی اعتراضی و فعال برای شکست تبلیغات و مانورهای انتخاباتی رژیم بدل کنیم. اجازه ندهیم در هیچ دانشگاه، منا"طق در شهر و روستا، معرکه انتخاباتی" راه بیاندازند. باید صریح و قاطع و انقلابی به هر کسی که در این نمایش کاندید میشود هشدار داد در کنار خامنه‌ای‌ها و قاتلین فرزندان ما ایستاده اند و باید پاسخگو باشند. نه فقط به قاتلین و شکنجه‌گران آزادیخواهان، به زندانبانان و استثمارگران، به اوباش سیاسی و نظامی حکومت اسلامی "رأی" نمیدهیم بلکه همه جا پوسترها، بیلبردها و تبلیغات این فرصت‌طلبان و کاسه‌لیسان را پائین بکشیم و آتش بزنیم. نباید اجازه بدهیم این اوباش سیاسی و نظامی روی سنگفرش خون و پیکر جانباختگان و عزیزان ما راه بروند و رژیم آدمکشان اسلامی را مَرمت کنند. فراخوان ما اینست مناسبت "انتخابات" را به اعتراضی همه جانبه تبدیل کنیم و برای سرنگونی انقلابی کل بنیادهای حکومت استبداد و استثمار سنگرهایمان را محکم کنیم. این جنایتکاران در موقعیت "انتخاب" شدن نیستند؛ دستجمعی باید بجرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. حکومت اسلامی باید برود!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۶ بهمن ۱۴۰۲ - ۵ فوریه ۲۰۲۴



فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

فرصت باقیمانده تا ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، موعِد "انتخابات" دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس "خبرگان رهبری"، مجالی برای یک تعرض انقلابی به کلیت حکومت اسلامی است. فرجه ای برای حمله به حکومت اعدام، به نمایش مُضحک صف قاتلین و شکنجه‌گران و سرمایه‌دارانی که خون مردم را در شیشه کردند، به کل باندهای حکومت که مستقل از اختلافات میکروسکوپی و درون خانوادگی‌شان جملگی در حفظ نظام اسلامی ذینفعند. امکانی برای عقب راندن رژیم و شکست تمام عیار آن و دورخیزی مجدد برای به گور سپردن جمهوری اسلامی.

از منظر مردم و جامعه ای که تغییر می‌خواهد، انتخابات در ایران هیچوقت معنا نداشته است و آنجا هم که بخشهایی از جامعه به منطق "انتخاب بین بد و بدتر" تأسی کرده‌اند، حاصلی جز بدترین ندیده‌اند. بعد از برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱، هر کسی و هر جریانی که از "انتخابات" و دخیل "بستن به "صندوق رأی" با هر روایتی سخن میگوید، کارگزار خامنه‌ای است. سوال واقعی برای باندهای حکومتی هم "انتخابات" نیست، بلکه تقسیم مجدد قدرت و دسترسی به منابع چپاول است. سوال مهمتر برای آنها بقای نظام و کسب مشروعیت فرمال حقوقی است. همه‌شان میدانند که اکثریت عظیمی از دین و آئین شان بیزارند، میدانند اگر دست مردم برسد نسل‌شان را برمی‌دارند، میدانند ارزی برای آخوند و دایناسورهای مجلس خبرگان و آدمکشان و شکنجه‌گرانی که در هیأت وکیل مجلس ظاهر میشوند قائل نیستند. سوال مردم انقلابی اما برهم زدن بازی بالائی‌ها و برگرداندن ورق سیاست به نفع پائینی‌ها است. سوال مردم رفتن بسوی انقلاب اجتماعی است. مشغله جامعه تمام کردن کار ناتمام است. لذا باید سیاست و تاکتیک فعالی در برخورد به [انتخابات] داشت که پاسخگوی این نیازها باشد، با دوره انقلابی و موقعیت بحرانی و شکننده رژیم اسلامی، با تناسب قوای واقعی در جامعه و صف بندی طبقاتی لحظه حاضر منطبق باشد.

یک سیاست انقلابی در برخورد به "انتخابات"، عدم شرکت وسیع و دخالت فعال است. ما از "تحریم" سخن نمی‌گوییم، این حکومت و انتخاباتش مادون تحریم است، ما از عدم شرکت و به شکست کشاندن قدرتمند این مضحکه سخن می‌گوییم. امروز هر باندی از اصلاح طلب تا دیگر مغضوبین حکومتی تا اپوزیسیون حاشیه رژیم از مُکلا تا ملیگرا، هر کسی از انتخابات با هر شرایطی حرف میزند باید مورد هجوم زنان و مردان انقلابی باشد. کارگران در صف اول با صدای بلند اعلام کرده اند؛ "ما دیگر رای نمیدیم!" خیلی از آنها قبلتر هم در این نمایش شرکت نکردند، آنها دارند جهت عمومی جامعه را اعلام میکنند. با عدم شرکت وسیع و قاطع در سیرک جنایتکاران و رویارویی فعال با مبلغان آن و شکست دادن پروژه

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

همایون گدازرگ

Homayon_1954@yahoo.de

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

partow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲
ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و
تماس با حزب حکمتیست از طریق
واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم
با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

WhatsApp Telegram

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان
<https://alternative-shorai.tv> معرفی کنید. آدرس خط زنده:

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.comهیئت تحریریه: سیاوش دانشور، ملکه عزتی، پروین کابلی، همایون
گدازرگ، ناصر مرادی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند
که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا
ظهر روز پنجشنبه است.

نفسکمی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

partow TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!